

## مشخصات اقتصاد اسلام

(۲)

گفتیم نظام اقتصادی اسلام مالکیت مطلق فردی را که منشأ آزادی بی بند و بار و لجام گسیخته رژیم سرمایه داری است مردود دانسته و همچنین با الغاء مطلق مالکیت شخصی که نتیجه ای جز سلب آزادی و استقلال فردی ندارد شدیداً به مخالفت برخاسته و با ارائه دادن مکتبی جدا و مشخص بر اساس مالکیت مزد و ج و نسبی اساس یک اقتصاد آزاد را در حدود مصالح جمع و استقلال و شخصیت فردی ریزی نموده و روی همین اصل بر مالکیت فردی تا مرز منافع اجتماع با شرایطی خاص صحنه گذارده و مالکیت دولت و همچنین مالکیت عمومی را بدون ضرر به استقلال و آزادی فرد جایز شمرده است .

### اعتبار مالکیت فردی

از مطالعه آیات قرآنی و روایات و احادیثی که از پیغمبر اسلام (ص) و جانشینان معصوم آنحضرت به ما رسیده و همچنین دقت در ابواب مختلف فقه اسلامی ، این مطلب روشن میگردد که اعتبار و جواز اصل مالکیت فردی از مسلمیات اقتصاد اسلام است یعنی یک فرد مسلمان از راههای مشروع از قبیل صید ، کار و تجارت و همچنین از طریق ارث میتواند مالک ثروت گردد و هیچکس هم حق تعرض باور ندارد و نمی تواند اموالش را مصادره کند . خداوند در قرآن مجید میفرماید : اموال یتیمان را با آنها بدهید ، مالهای آنها را همانند

اموال خود نخورید ، وقتی یتیمان بحد رشد رسیدند اموالشان را با آنها تسلیم کنید (۱)

از اموال مردم زکوة بگیر تا بدین وسیله آنها را پاک سازی و پاکیزه گردانی (۲) و اگر از خوردن ربا تو به کردی سرمایه اموالشان متعلق بخود شما است (۳) در اموال مردمان پرهیز کار برای محتاجین و محرومین بهره ایست (۴)

(۱) و اتوا الیتامی اموالهم لاتأکلوا اموالهم الی اموالکم . . . فان

آنستم منہم رشدا فادفعوا الیہم اموالہم . . . (سورة النساء آیات ۶ و ۲)

(۲) خذ من اموالہم صدقة تطہرہم و تزکیہم بها (سورة التوبہ آیه ۱۰۳)

(۳) وان تبتم فلکم رؤس اموالکم (سورة البقرة آیه ۲۷۹)

(۴) وفي اموالہم حق للساائل والمحروم (سورة الذاریات آیه ۱۹)

ابن عباس میگوید: وقتی پیغمبر صلی الله علیه وآله معاذ بن جبل را به یمن فرستاد باو چنین فرمود:

اگر تو را فرمانبرداری کردند با آنها اعلام کن که خداوند (زکوة را برایشان واجب نموده و هر گاه در این قسمت از تو پیروی نمودند از چشم داشت به نفائس اموال آنها بر حذر باش (۱) و نیز در خطبه وداع فرمود: ای مردم! خونها و اموال و آبروهای شما بر یکدیگر محترم است (۲) و نباید به شئون جانی و عرضی و مادی هم تجاوز کنید.

با کوچکترین تأملی در این قبیل آیات و احادیث: (از نظر اضافه اموال باشخاص اموالکم، اموالهم) که نظائر آنها در کتاب و سنت فراوان است و همچنین با بررسی کوتاهی در بعضی از قواعد فقهی مانند: «عدم جو از تصرف در مال دیگری بدون اذن وی»، (۳) و تسلط مردم بر اموالشان، (۴) واضح میگردد که در اسلام مالکیت فردی بعنوان يك اصل مسلم طبیعی و فطری پذیرفته شده و با اندازه ای این مسئله روشن بوده که احتیاج به قانون جدا گانه نداشته و تنها اسلام در زمینه این شکل از مالکیت که آن را موضوعی حل شده و غیر قابل بحث فرض نموده، احکامی مبنی بر حفظ اموال افراد صادر کرده است ولی از طرف دیگر آنچنان فرد را محدود به حدود و شرائطی نموده که بهیچوجه نتواند از مالکیت فردی سوء استفاده کرده و در جهت زیان اجتماع گام بردارد (۵).

(۱) فان هم اطاعوا لك فاحبرهم ان الله قد فرض عليهم صدقه .. فان هم اطاعوا لك بذلك فياك و كرائم اموالهم .

(۲) ان دما نكم و اموالكم و اعراضكم عليكم حرام .

(۳) لا يجوز التصرف في مال الغير الا باذنه

(۴) الناس هسلطون على اموالهم

(۵) در زمان عبدالملك مروان بواسطه كثرت حجاج خواستند مسجد الجرام را توسعه دهند و برای این منظور لازم بود خانه شخصی فردی را خراب کنند اما صاحبخانه باستناد ظواهر احکام اسلامی مبنی بر مالکیت شخصی رضایت نداد و بهیچ قیمتی هم حاضر بفرش نشد حکومت مقتدر عبدالملك در بن بست قرار گرفته بود که او را راه نمائی کردند تا حل مسئله را از امام زین العابدین (ع) بخواهد چون موضوع را نزد آنحضرت طرح کردند، فرمود خانه را خراب کند و جزء مسجد نماید و مستحق بهائی هم نیست چون این شخص در احداث خانه خود وارد بر مسجد الجرام شده و کعبه تاشماع احتیاجات خود باین سرزمین حق اولویت دارد، البته تار و زیکه این حاجت تحقق پیدا نکرده استفاده دیگران رواست و لو چون بواسطه كثرت زائرین کعبه، باین خانه احتیاج پیدا شده رجوع بحق اولویت اول میشود. بدستور امام خانه را خراب کردند و جزء مسجد نمودند - در اینجا این شخص میخواست در جهت زیان اجتماع از مالکیت شخصی خود استفاده کند ولی امام (ع) جلو او را گرفت، این مطلب برای کسانی که سوء استفاده افراد را از قانون بحساب خود قمانون میگذارند قابل توجه است .

قرآن مجید مالک و صاحب اختیار مطلق مال را پروردگار عالم میداند (۱) و مردم را خلیفه و نماینده او معرفی میکنند (۲) که مالکیت و همه تصرفاتشان باید در چهارچوبه فرمان خداوند باشد . روی این اصل کسب مال و تملک چیزهایی که از راههای غیر مشروع بدست میآید از نظر اسلام حرام و ممنوع است و هیچکس نمیتواند از طریق ربا، وقهار، احتکار، مسکرات ، غضب تزویر، تقلب مالک گردد و نظر باینکه اسلام مالکیت فردی را یک وظیفه اجتماعی میداند اگر کسی باین وظیفه بطور صحیح اقدام نکند از اوصاف مالکیت میشود و لذا سفاه و محجورین حق تصرف در اموال را ندارند (۳)

اسلام برای جلوگیری از حبس مال و تمرکز ثروت و ایجاد توازن اقتصادی بین همه طبقات از طرفی افرادی را که بول و سایر وسائل مبادله کالا را رویهم انباشته و برای خود گنج درست کرد. اندسخت مورد ملامت و سرزنش قرار داده (۴) و از طرف دیگر پرداخت مالیات ثابت و متغیر از قبیل خمس (۵) و زکوة (۶) و مالیاتهایی که در موارد لازم و ضروری بصلاحدید دولت اسلامی باموال تعلق میگردد (۷) واجب دانسته که بعنوان سهم اجتماع باید بپردازند ، بلکه

(۱) **و آتوهم من مال الله الذی آتیکم** (سوره النور آیه ۲۳) از ما . خدا که بشما

داده ، بایشان بدهید .

(۲) **وانفقوا ما جعلکم مستخلفین فیہ** (سوره الحديد آیه ۷) از آن اموالیکه

خداوند در آن شمارا خلیفه قرار داده انفاق کنید .

(۳) **ولانقواوا السفهاء اموالکم الی جعل الله لکم قیاماً** (سوره النساء آیه ۵)

(۴) **والذین یکنزون الذهب والفضة ولا ینفقونها فی سبیل الله فبشرهم**

بعذاب الیم (سوره التوبه ۳۴)

(۵) **واعلموا انما غنمتم من شیء فان لله خمسہ و للرسول و لذی القربی و**

الیتامی و الماکین و ابن سبیل . (سوره الانفال آیه ۴۲) بدانید آنچه را از هر چیز

بهره گرفتید خمس آن از آن خدا و از آن رسول و ذالقربی و یتیمان و در ماندگان و راه گذران محتاج است .

(۶) زکوة یکی از ارکان اساسی اسلام است و در ۸۲ آیه از قرآن مجید همراه نماز آمده است .

(۷) حاکم اسلام میتواند از اموال اغنیاء باندازه احتیاجات همه افراد اجتماع بگیرد

قرآن مجید هم میفرماید . **دیسئلونک ما ذابنفقون قل العفو** : که چه چیز انفاق کنیم بگو باقیمانده از آنچه که احتیاج دارید (سوره البقره آیه ۲۱۸ و ۲۱۹)

علی علیه السلام فرمود : خداوند در اموال اغنیاء مسلمین باندازه احتیاجات مستمندان

صدقه را واجب فرموده است

از بسیاری آیات قرآنی (۱) می توان استفاده کرد که ثروت در مرحله اول متعلق با اجتماع است و سپس سهمی از آن بواسطه یکی از اسباب ملکیت به مالک و یا کارگر اختصاص پیدا میکند و بقیه بهمان حال در ملک اجتماع باقی میماند و در حقیقت اجتماع چیزی غیر از حق خودش را از فرد مطالبه نمی کند .

البته این نکته را هم نباید از نظر دور داشت که اسلام مانند برخی از مکتهای اقتصادی امروز شخصیت فرد را در قبال منافع اجتماع نادیده نگرفته بلکه اصلاح وضع اقتصادی افراد را از عوامل اسبیل رفع اختلافات طبقاتی و ایجاد تعادل و توازن اجتماعی می داند و بهمین جهت ملاحظه می کنیم که در اموال اختصاصی اجتماع هم مراعات حال افراد شده و در مصارف هشتگانه زکوة تنها یک سهم آن در راه خدا و امور خیریه و عام المنفعه مصرف میشود و بقیه بصرف فقراء ، مستمندان ، کارمندان زکوة ، تألیف قلوب دیگران ، آزاد کردن برده ها ، پرداخت بدهکاری قرض داران و برای رفع حاجت مسافران در راه مانده میرسد و همچنین در مصارف ششگانه خمس سه سهم آن اختصاص به ایتم و مستمندان و در راه ماندگان محتاج دارد .

\* \* \*

با تشریح این اصول اسلام یک اجتماع متعادل بوجود میآورد که خود افراد با پشتوانه عقیده و اخلاق ضامن حفظ آن هستند و در عین حال حکومت بر منافع فرد و اجتماع نظارت کامل دارد و از بحرانها و سوءاستفاده ها و افراط و تفریطها سرسختانه جلوگیری بعمل میآورد . بنا بر این کسانی که مالکیت فردی را منشأ بدبختیها و تجاوزات میدانند چشم باز کرده و مالکیت نامحدود و نامشروع رژیم سرمایه داری غرب را دیده و گمان کرده اند هر مکتب اقتصادی دیگری هم که اصل مالکیت فردی را اعتبار کند چون رژیم فرسوده و تجاوز کار کاپیتالیسم ، ارتجاعی و متجاوز است در صورتیکه بایک نظر کوتاه و منصفانه به مطالبیکه بیان گردید ، روشن میشود که اساس اینهمه بحرانها و مشکلات اقتصادی مالکیت فردی نیست بلکه این خوی تجاوز - کار و سودجوی انسانها است که اینهمه بدبختی بیآوردده و منشأ ستمها و بی عدالتیهای فراوان شده است .

— در «تفسیر المیزان» جلد ۹ صفحه ۴۰۸ چنین آمده است :

«فرد در مالکیت خصوصی خود آزاد است و می تواند اموالش را در اغراض مشروع خود صرف کند و هیچکس حق تعرض با او را ندارد مگر اینکه جامعه اسلامی مواجه با خطر گردد ، در این صورت واجب است از سرمایه های خصوصی برای حفظ حیات اجتماعی استفاده شود .» پرواضح است که در این هنگام اگر کسی تنها به بهانه مالکیت خصوصی خواست زیر بار این حکم فرود بر دولت اسلامی است که او را مجبور سازد و باندازه احتیاج از اموال او بگیرد .

(۱) مانند آیات: هو الذی خلق لکم مافی الارض جمیعاً (البقره ۲۹۵) و سخر لکم

مافی الارض (حج ۶۴) .